

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، ۱۱۶ گست ۲۰۰۹م

حیف، حیف

بعضاً منازعه و مشاجره قلمی فرهنگیان، سبب تشویش بیش از حد دوستداران ادب می گردد و از خود سوال می کنند که چرا باید، اوقات بسیار گران بها و نوشته های گهر باری را که میتوان با آن مطالب خیلی علمی در راه خیر و فلاح وطن و روشن ساختن اذهان مردم بی سرنوشت آن بکار انداخته شود، به تعجیز و تحقیر همدگر به کار می برند. شعر ذیل ناشی از همان اندیشه سروده شده است و در عین زمان به دو پورتال دوست داشتنی غرض نشر تقدیم و با پیرانه سر استدعا می کنم تا قلم ها و نوشته های باارزش خود را به مطالبی که تشویش آوراست صرف نکنند و به ما فرصت بدهند، تا بگرمی هائی که تاکنون ادامه داشته به همکاری شان ادامه بدیم:

نیست روشن دیگر آن شمع شبستان، حیف حیف
بر نخیزد دیگر آهنگ خوش مرغ سحر
کشتی بی بادبان ما به طوفان گشته غرق
رفته از چشم آن فروغ دوستی و همدلی
نیست بر پا دیگر آن جشن محبت در میان
در زمین طینت ما این چه تخمی کاشتند
تیشه را خود بی سبب، در ریشه خود می زنیم
ملک را بی اتفاقی ها به آتش می کشد
می سزد، گر جنگ سالاران نقاضت ها کنند
کس نمی بیند کسی را با حياء و با وقار
رفته از کف رشته نظم و نظام زندگی
ما به فرمان عداوت، راحت از کف داده ایم
دل به تحکیم محبت های یاران می تپد
یاد آن روزی که پیمان محبت بسته بود

خانه تاریک است و جمع ما پریشان حیف
بر نتابد دیگر آن خورشید تابان حیف
ناخدا در کار خود، در مانده، حیران حیف
دوستان با همدگر دست و گریبان حیف
در چمن دیگر نمی گردد چراغان حیف
کاینچنین حاصل همه رنجست و حرمان حیف
شکوه داریم از عداوت های دوران حیف
ما در آن آتش چو هیزم شعله افشان حیف
گر چنین باهم جلد دارند ادیبان حیف
کس نمی باید کسی را پاک دامان حیف
دیگران در کار ما هستند کوشان حیف
دیگران در ملک رانند فرمان حیف
از پریشان گوئی شان، ما پریشان حیف
و ازین روزی که بگسسته است پیمان حیف

گر نزاع دوستان ما چنین باشد «اسیر»

توبه خواهیم کرد از گفتن، بقرآن، نیست حیف؟؟

«۱» استعمال کلمه «نیست» در عوض "حیف" اول ردیف آخر، بغرض تاکید در حیف و افسوس است.